

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۳/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۴/۹

(۳۲۲- ۳۰۷)

هماهنگی واکه‌ای در گویش قاینی

زهره ناصری*

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی پدیده هماهنگی واکه‌ای در گویش قاینی، یکی از گویش‌های جنوبی خراسان، در چارچوب واج‌شناسی زایشی می‌پردازد. داده‌های این تحقیق از منابع مکتوب مرتبط با گویش قاینی، شم زبانی نگارنده و مصاحبه با گویشوران بومی میان‌سال گردآوری شده است. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل انواع هماهنگی واکه‌ای در این گویش با تمرکز بر نوع پس‌رو و بررسی تغییرات واکه‌ای در واژه‌های مختلف از منظر ویژگی‌هایی چون پسین‌بودن، افراستگی و گردی است. نتایج نشان می‌دهد که در گویش قاینی، هماهنگی پس‌رو در پیشوندهای فعلی نظیر *me-* و *be-* به صورت چشمگیری رخ می‌دهد و منجر به تغییراتی مانند تبدیل *me-* به *mi-* یا *mo-* می‌گردد. همچنین، در برخی واژه‌ها، واکه‌ها تحت تأثیر واکه‌های مجاور دچار تغییر در ویژگی‌های آوایی خود می‌شوند که نشان‌دهنده حضور فعال و نظام‌مند این فرایند در ساخت واژگانی و نحوی گویش قاینی است. این یافته‌ها می‌تواند در طبقه‌بندی واج‌شناختی این گویش و درک بهتر از ساختارهای زبانی نواحی شرقی ایران مفید واقع شود.

واژه‌های کلیدی: گویش قاینی، هماهنگی واکه‌ای، هماهنگی پس‌رو، هماهنگی پیش‌رو

* استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

مقدمه

شهر قاین، دومین شهر پرجمعیت استان خراسان جنوبی، در ناحیه جنوب شرقی ایران قرار دارد. این شهر از شمال با شهرستان‌های گناباد و تربت‌حیدریه، از جنوب با بیرجند، از شرق با مرزهای کشور افغانستان و از غرب با شهرستان فردوس هم‌مرز است. موقعیت جغرافیایی قاین بین طول‌های جغرافیایی ۵۹ درجه و ۱۲ دقیقه تا ۵۹ درجه و ۱۴ دقیقه شرقی و عرض‌های جغرافیایی ۳۳ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۴۵ دقیقه شمالی قرار دارد (رجبی، ۱۳۸۴: ۲۵۳). گویش قاینی که در این شهر رواج دارد، یکی از گونه‌های گویشی منطقه خراسان به شمار می‌آید. از دیدگاه ایوانوف (۱۳۹۲: ۱۴۵)، گویش‌های خراسانی در سه گروه اصلی طبقه‌بندی می‌شوند: گویش‌های شمالی که در مناطقی چون جوین، سبزوار و نیشابور متداول‌اند؛ گویش‌های مرکزی که در شهرهایی نظیر ترشیز و گناباد رواج دارند؛ و گویش‌های جنوبی که در نواحی قاین، تون (فردوس) و بیرجند کاربرد دارند. به باور ایوانوف، اختلاف میان این سه گروه چندان چشمگیر نیست و نمی‌توان آن‌ها را گویش‌هایی کاملاً مستقل و مجزا دانست. افزون بر این، تعامل زبانی میان این مناطق باعث شده است که واژگان بسیاری میان آن‌ها به صورت وام‌گیری ردوبدل شود. با این حال، کلباسی (۱۳۸۸: ۳۵) دیدگاهی متفاوت ارائه می‌دهد. او بر این باور است که گویش‌های منطقه خراسان را باید ذیل زبان‌های ایرانی نو جنوب غربی طبقه‌بندی کرد. وی گویش‌هایی نظیر سبزواری، نیشابوری، کاشمری، کاخکی، قاینی و بیرجندی را از جمله گونه‌های گویشی این منطقه می‌داند که در چارچوب زبان‌های ایرانی نو قابل بررسی هستند.

در این مقاله به بررسی هماهنگی واکه‌ای^۱ در این گویش می‌پردازیم. داده‌های این پژوهش عمدتاً از آثاری که درباره این گویش نوشته شده و نیز شم زبانی نگارنده که خود گویشور

¹ Vowel harmony

بومی است، فراهم شده است. باین‌حال، برای اطمینان از صحت ثبت آوانگاری، داده‌هایی از گویشوران بومی میان‌سال ساکن قاین نیز جمع‌آوری شده است.

پیشینه

پژوهش‌های متعددی در زمینه فرایند هماهنگی واکه‌ای در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی انجام شده است که هر یک از منظر چارچوب‌های نظری مختلفی به این پدیده واجی پرداخته‌اند. حسینی و کرد زعفرانلو کامبوزیا (۱۴۰۰) در چارچوب واج‌شناسی زایشی، به بررسی هماهنگی واکه‌ای در پیشوندهای فعلی گویش مشهدی پرداختند. یافته‌های آنان نشان داد که این پدیده عمدتاً در ویژگی‌هایی چون پسین‌بودن و افراستگی رخ می‌دهد و برخی همخوان‌ها مانند همخوان‌های تیغه‌ای می‌توانند مانع از وقوع آن شوند. همچنین، واکه‌های مربوط به پیشوند نفی مشارکت کمتری در فرایند هماهنگی دارند. در پژوهشی دیگر، مدرسی قوامی (۱۳۸۹) با تأکید بر نقش مشخصه‌های واکه‌ای و همخوانی، به بررسی هماهنگی درون‌تکواژی و بین‌تکواژی در فارسی پرداخت و نشان داد که واکه‌ها با توجه به جایگاه و ویژگی‌های آکوستیکی‌شان از میزان تأثیرپذیری متفاوتی برخوردارند. نتایج بررسی آزمایشگاهی او بر گفتار فارسی‌زبانان، همبستگی قابل‌توجهی میان الگوهای واجی و آوایی زبان فارسی را آشکار ساخت.

در همین راستا، احمدخانی و واثق (۱۳۹۹) با بهره‌گیری از نظریه بهینگی به تحلیل فرایند هماهنگی واکه‌ای و همخوانی واکه‌ای در زبان فارسی پرداختند. بر اساس نتایج مطالعه آنان، این فرایند به مشخصه‌هایی مانند پسین‌بودن، ارتفاع و گردی واکه و نیز به ویژگی‌هایی چون کامی‌شدگی برخی همخوان‌ها وابسته است. از دیگر پژوهش‌های قابل‌توجه در این زمینه، مطالعه قاسمی و همکاران (۱۴۰۲) است که به بررسی علل عدم وقوع هماهنگی واکه‌ای در

گفتار غیررسمی پرداخت. یافته‌های این تحقیق میدانی نشان داد که متغیرهایی چون بسامد واژه، سن و تحصیلات گویشوران، تأثیر سبک نوشتار و ویژگی‌های نحوی یا هجایی واژه‌ها می‌توانند مانع از تحقق این فرایند شوند.

در پژوهشی متمایز، علایی (۱۳۹۲) هماهنگی واکه‌ای را در زبان ترکی آذری منطقه مغان از منظر واج‌شناسی خودواحد موردبررسی قرار داد. این مطالعه با تحلیل ساختار سلسله‌مراتبی فرایندهای واجی، نقش مشخصه‌هایی همچون پسین‌بودن، گردی، افراستگی و کشیدگی را در هماهنگی بررسی کرده و تأکید می‌کند که موقعیت همخوان‌ها و ساختار هجایی در زنجیره گفتار تأثیر بسزایی بر شدت و جهت هماهنگی دارند. نتایج تحقیق وی با تکیه بر داده‌های گویشوران بومی، بیانگر آن است که هماهنگی واکه‌ای در این گویش تنها تابع ویژگی‌های واکه‌ها نیست، بلکه عوامل ساختاری و بین‌واحدی نیز در شکل‌گیری آن ایفای نقش می‌کنند.

هماهنگی واکه‌ای

هماهنگی واکه‌ای عبارت است از کیفیت واجی که طی آن واکه‌های موجود در یک کلمه، در بعضی از مشخصه‌های واجی با یکدیگر همگون می‌شوند. یکی از ویژگی‌های هماهنگی واکه‌ای این است که معمولاً هیچ‌یک از واکه‌های یک زبان برای شرکت در این فرایند هیچ‌گونه محدودیتی ندارد (Kenstowicz, 1994). این پدیده برای توصیف محدودیت‌های موجود در مجموعه‌ای از واکه‌ها در یک حوزه واجی که معمولاً کلمه است، به کار می‌رود. به بیان دیگر، در شرایطی که تمامی واکه‌های موجود در یک واژه، در یک مشخصه واجی همچون [پیشین] یا [گردی] دارای مقدار یکسانی باشند، گفته می‌شود که واکه‌ها از نوع هماهنگ یا همگون هستند (کرد زعفرانلو، ۱۳۹۲: ۱۹۰). این فرایند، نوعی پدیده واجی تلقی می‌شود که طی آن، واکه‌های مشخصه‌دار یک واژه، خود را با سایر واکه‌ها

در همان واژه هماهنگ می‌کنند. بر اساس تحلیل‌های واجی، واکه‌های مجاور، مشخصه‌های خود را از یکدیگر گرفته یا به یکدیگر تحمیل می‌کنند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۲۷).

هماهنگی واکه‌ای به الگویی واجی اشاره دارد که در آن واکه‌های درون یک واژه گرایش دارند تا ویژگی‌های گفتاری خاصی مانند پیشین/ پسین، گردی یا ارتفاع را با یکدیگر به اشتراک بگذارند. این پدیده در بسیاری از خانواده‌های زبانی اورالی، ترکی و برخی زبان‌های آفریقایی به‌طور برجسته دیده می‌شود. هماهنگی واکه‌ای اغلب وسیله‌ای برای حفظ سهولت واجی و انسجام آوایی در زبان است؛ چراکه پیچیدگی‌های گفتاری را کاهش می‌دهد (Ladefoged & Johnson, 2014: 107-109). در زبان‌هایی که دارای هماهنگی واکه‌ای هستند، واکه‌های یک واژه یا تکواژ معمولاً همگی یا پیشین (مانند /i/ و /e/) یا همگی پسین (مانند /a/ و /o/) هستند و این ویژگی معمولاً به پی‌بست‌ها نیز سرایت می‌کند. برای نمونه، در زبان فنلاندی، هماهنگی واکه‌ای یک قاعده واجی بنیادین است. واکه‌های درون یک واژه یا در گروه واکه‌های پیشین (/ä/ /ö/ /e/ /i/) قرار دارند یا در گروه واکه‌های پسین (/a/ /o/ /u/). برای نمونه، در واژه /talo/ «خانه»، واکه پسین /a/ دیگر واکه‌های واژه را تعیین می‌کند و واژه نمی‌تواند واکه پیشین داشته باشد. پی‌بست‌ها نیز با این هماهنگی سازگار می‌شوند /talo/ به " /taloissa/ در خانه‌ها" و /mökki/ "کلبه" به /mökissä/ "در کلبه" تبدیل می‌شود؛ در اینجا پی‌بست با واکه‌های واژه پایه از نظر پیشین‌شدگی هماهنگ می‌شود (Kiparsky, 2024: 185).

در زبان فارسی، چنانچه واکه /e/ که دارای مشخصه [پیشین] است در مجاورت واکه /a/ که مشخصه [پسین] دارد، قرار گیرد، ازدست‌دادن ویژگی [پیشین] و کسب ویژگی [پسین] توسط واکه اول، نشانگر یک فرایند هماهنگی واکه‌ای است. به‌طور مشابه، در صورت تلفظ واژه‌هایی مانند row و be به‌صورت [borow] و [bigir]، می‌توان دریافت که واکه /e/

در تکواژ be- در مجاورت /o/ و /u/ تحت تأثیر این واکه‌ها، به /o/ یا /i/ تبدیل شده است. در واژه bigir نیز، به نظر می‌رسد که واکه /e/ به دلیل مجاورت با /i/ و /a/، ویژگی آوایی‌اش را از دست داده و به /i/ تبدیل شده است. درواقع، این پدیده واجی که در واژه bigir قابل مشاهده است، به افزایش ارتفاع واکه و تبدیل آن به واکه‌ای بلندتر می‌انجامد. برای نمونه، واکه آغازین /e/ به دلیل افزایش ارتفاع، به /i/ تبدیل می‌شود. این نوع هماهنگی، اغلب باعث تولید واکه‌هایی با مشخصه‌های کمتر آوازی یا ساده‌تر می‌شود. همچنین، در دامنه‌هایی نظیر افعال، گروه‌های اسمی و دیگر ترکیبات زبانی، واکه‌ای که پس از واکه دیگر می‌آید، تحت تأثیر آن قرار گرفته، مشخصه‌های واجی آن را می‌پذیرد و درنتیجه، واکه‌هایی با افزایش هماهنگی، معمولاً ساده‌تر از واکه‌های پیشین تولید می‌شوند (حق‌شناس، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

هماهنگی واکه‌ای به دو نوع اصلی تقسیم می‌شود: پیش‌رو^۲ و پس‌رو^۳. در هماهنگی پس‌رو، اگر ویژگی‌های مشخصه‌ای یک واکه، پس از واکه یا واکه‌هایی دیگر در واژه ظاهر شوند، هماهنگی به صورت پس‌رو رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، در فرایند هماهنگی پس‌رو، واکه‌های پیشین (مانند [a]، [e] و [o]) ویژگی‌های واکه‌های پسین (مانند [i] و [u]) را کسب می‌کنند. در زبان فارسی، نمونه‌هایی چون تبدیل [be + row] به [be] و [boro] + gir] به [bigir] مشهود است. در این موارد، واکه میانی یا پایانی، ویژگی آوایی خود را به واکه پیش از خود منتقل می‌کند و موجب تغییر تلفظ یا ساختار آوایی کلمه می‌گردد. این نوع هماهنگی، در بسیاری از کلمات فارسی مانند «بخور»، «بیاور»، «اجاره» و غیره مشاهده می‌شود و به ایجاد ساختاری همگون در زنجیره واکه‌ای کمک می‌کند. از نظر نحوی نیز، این نوع هماهنگی می‌تواند در تعیین الگوی بافت واجی مناسب در کلمه نقش ایفا کند (قاسمی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۲۸).

² progressive

³ regressive

در مقابلِ هماهنگیِ پسرِو، در هماهنگیِ پیش‌رو، مشخصه‌های واکه‌ای یک واکه به واکه‌های بعدی خود منتقل می‌شوند. در این فرایند، واکه‌های بعدی ویژگی‌های آوایی واکه آغازین را می‌پذیرند. این نوع هماهنگی بیشتر در زبان‌هایی مانند ترکی استانبولی مشاهده می‌شود که از ساختاری پیوندی برخوردارند و ویژگی‌های واجی واکه آغازین، در کل واژه گسترش می‌یابد. در این زبان‌ها، واکه‌های پایانی و میانی واژه، مشخصه‌های واکه ریشه را بازتاب می‌دهند و به تبعیت از آن، همگون می‌گردند (احمدخانی و واثقی، ۱۳۹۹: ۳۶۲).

تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، نگارنده با مراجعه به کتاب‌ها و مقاله‌هایی که پیرامون گویش قاینی و داستان‌ها و ضرب‌المثل‌های این گویش است، تعداد زیادی واژه در مقوله‌های دستوری فعل، اسم و صفت گردآوری کرده است. سپس با استناد به شم زبانی خود و تلفظ سه گویشور میان‌سال بومی قاین همگونی واکه‌ای واژه‌ها را آوانگاری و مورد تحلیل قرار داده است. داده‌های این پژوهش پس از گردآوری، آوانگاری و توصیف در دو دسته هماهنگی پسرِو و هماهنگی پیش‌رو طبقه‌بندی شدند که در بخش‌های پیش رو به آن می‌پردازیم.

هماهنگی پسرِو

همان‌گونه که ذکر شد، هماهنگی واکه‌ای پسرِو زمانی رخ می‌دهد که واکه‌ای بر واکه پیش از خود تأثیر بگذارد و آن واکه را در ویژگی‌هایی با خود هماهنگ کند. در این گویش هماهنگی پسرِو در چند واژه دیده می‌شود که در جدول (۱) ارائه شده است. در واژه نخست، واکه /ā/ تحت تأثیر واکه پس از خود قرار گرفته و پیشین شده است. در واژه دوم نیز واکه /e/ تحت تأثیر /i/ افراشته شده است و واکه /e/ در واژه سوم تحت تأثیر واکه پس از خود پسین و گرد شده است.

جدول ۱: هماهنگی واکه‌ای پسر و

معادل فارسی	واژه هماهنگ‌شده	واژه اولیه
هاون	Havan	hāvan
چنین	Čini	čeni
چنان	Čonu	čenu

شاخص‌ترین هماهنگی واکه‌ای پسر و را می‌توان در پیشوندهای **me-** و **be-** دید. این دو پیشوند تحت تأثیر واکه ستاک فعل به ترتیب ممکن است به **mi- / mo-** و **bi- / bo-** تبدیل شود. پیشوند **me-** استمراری‌ساز است و پیشوند **be-** نمود التزامی و نمود کامل را نشان می‌دهد.

پیش از تشریح این نوع هماهنگی لازم است شناسه‌های فعلی این گویش را معرفی کنم. شناسه افعال در قایینی همانند فارسی تنها در سوم شخص مفرد در گذشته و حال باهم متفاوت است. در جدول (۲) شناسه‌های فعلی در دو زمان گذشته و حال نمایش داده شده است.

جدول ۲: شناسه‌های فعلی در گویش قایینی

om- اول شخص مفرد	em- اول شخص جمع
i- دوم شخص مفرد	ey- دوم شخص جمع
ϕ (زمان گذشته) an- (زمان حال) سوم شخص مفرد	an- سوم شخص جمع

پیشوند **me-** و **be-** با واکه ستاک هماهنگی ایجاد می‌کنند و تنها زمانی با شناسه فعل وارد هماهنگی می‌شود که واکه ستاک حذف شود. مثل فعل «گفتن» در زمان حال که پیشوند

me- با شناسه هماهنگی ایجاد می‌کند. در این حالت me- در صیغه اول شخص مفرد به mo- و در دوم شخص مفرد به mi- تبدیل می‌شود (البته در مورد دوم شخص مفرد گاهی به صورت قبل از همگونی، یعنی با me- نیز به کار می‌رود). در سایر صیغگان me- باقی می‌ماند.

(1) a. var me-gu-em → var me-g-an می‌گویند

b. var me-gu-om → var mo-g-om می‌گوییم

c. var me-gu-i → var mi-g-i می‌گویی

در گویش قاینی، تکواژ استمراری ساز و التزامی ساز در روساخت به ترتیب به صورت‌های me-/ mo-/ mi- و be-/ bo-/ bi- است. حالت زیرساخت به ترتیب me- و be- است؛ چون بسامد وقوع بالاتری دارد. از نظر تاریخی نیز زیرساختی بودن me- و be- مورد تأیید است؛ چون در فارسی میانه پیشوند استمراری ساز mē- و نمود التزامی bē- بوده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۳: ۲۳۲).

در ادامه انواع هماهنگی این دو پیشوند با ستاک فعل شرح داده می‌شود.

هماهنگی در افراستگی قبل از غلت پیشین /y/

mi- و bi- به عنوان تکواژگونه‌های پیشوندهای me- و be- زمانی رخ می‌دهد که با واکه‌ای غیر از /e/ آغاز شود، در آن صورت برای جلوگیری از التقای واکه‌ها /y/ درج می‌شود و تکواژهای زیرساختی me- و be- با /y/ همگون می‌شوند و به ترتیب به mi- و bi- تبدیل می‌شوند. کامبوزیا (۱۳۸۵: ۲۰۵-۲۰۶) همگونی واکه /e/ در پیشوند be- در زبان معیار، به ویژه در واژگانی که با واکه آغاز می‌شوند، را نوعی فرایند التقای واکه توصیف می‌کند. مثال (۲) چند نمونه را در این زمینه نشان می‌دهد.

(2) a. be-ā → be-y-ā → bi-y-ā بیا

b. me-a-y-om → me-y-a-y-om → mi-y-a-y-om می‌آیم

c. be-ār-em → be-y-ār-em → bi-y-ār-em بیاوریم

هماهنگی در پسین‌بودن قبل از واکه ستاک /o/

چنانچه ستاک فعل دارای واکه /o/ باشد و یا در اثر حذف واکه فعل، شناسه دارای این واکه باشد، پیشوندهای me- و be- با واکه /o/ هماهنگ می‌شوند و به mo- و bo- تبدیل می‌شوند. در فعل‌هایی که در نمونه (۳) آورده شده، واکه /e/ پیشوند با واکه ستاک فعل که /o/ است، هماهنگی ایجاد کرده است.

(3) a. bo-košt-om کشتم

b. mo-košt-om می‌کشتم

c. bo-xor-om بخورم

d. mo-xor-om می‌خورم

e. var mo-goft-om می‌گفتم

f. var mo-xond-om می‌خواندم

g. bo-mord-om مُردم

h. mo-mord-om می‌مُردم

در این میان معدودی فعل وجود دارد که در مقابل این هماهنگی مقاومت می‌کنند. این موارد در نمونه (۴) نشان داده شده است.

(4) a. be-dozd-an بدزدند

b. me-dozdid-an می‌دزدیدند

در مورد فعل var mogom «می‌گویم»، پیشوند me- با واکه شناسه هماهنگ شده است؛ چون واکه ستاک به خاطر رفع التقای واکه‌ها حذف شده است. روند این هماهنگی به شرح (۵) است.

(5) var me-gu-om → var me-g-om → var mo-g-om

البته این فعل به صورت var me-gom نیز به کار می‌رود. در صرف این فعل، پیشوند me- تنها در اول شخص مفرد تغییر می‌کند؛ چون با واکه /o/ موجود در شناسه همگون

می‌شود. این در حالی است که در مورد سایر شناسه‌ها با واکه‌های مختلف این هماهنگی رخ نمی‌دهد، مانند *var me-gi* «می‌گویی»، *var me-gem* «می‌گویند» و *var me-g-an* «می‌گویند». برخی افعال از این دست که تنها واکه ستاک که به خاطر جلوگیری از التقای واکه‌ها حذف می‌شود، از این هماهنگی در صیغه اول شخص مفرد سر باز می‌زنند. مانند *me-šom* «می‌شوم / می‌روم» و *me-rom* «می‌روم».

سایر موارد

در این بخش سایر مواردی را ذکر می‌کنیم که پیشوندهای *me-* و *be-* در مقابل هماهنگی واکه‌ای مقاومت نشان می‌دهند.

شاید این گونه به نظر برسد که دو پیشوند *me-* و *be-* با واکه‌های گرد این هماهنگی واکه‌ای را نشان می‌دهند، ولی در این گویش چنانچه ستاک فعلی دارای واکه گرد */u/* باشد، این دو پیشوند از هماهنگی با آن سر باز می‌زنند. نمونه (۶) مؤید این مطلب است.

- | | |
|---------------------------------|---------------------------------|
| a. <i>be-suxt-om</i> سوختم | b. <i>me-suxt-om</i> می‌سوختم |
| c. <i>be-jušun-om</i> بجوشانم | d. <i>me-jušun-om</i> می‌جوشانم |
| e. <i>be-busid-om</i> بوسیدم | f. <i>me-busid-om</i> می‌بوسیدم |
| g. <i>var me-duz-om</i> می‌دوزم | |

این نکته نیز حائز اهمیت است که چنانچه ستاک فعل دارای واکه */i/* باشد، پیشوند *me-* به *mi-* تغییر نمی‌یابد و در برابر هماهنگی واکه‌ای مقاومت می‌کند. این مورد در مثال (۷) نشان داده شده است.

- | | |
|---------------------------------|-------------------------------|
| a. <i>me-xisun-om</i> می‌خیسانم | b. <i>be-xisun-om</i> بخیسانم |
| c. <i>me-riz-om</i> می‌ریزم | d. <i>be-riz-om</i> بریزم |
| e. <i>me-pičun-om</i> می‌پیچم | f. <i>be-pičun-om</i> بیچانم |

g. var me-čīn-om برمی‌چینم h. me-mir-om می‌میرم

به‌طورکلی، در این گویش، افعالی که دارای واکه‌ای غیر از /o/ هستند، پیشوندهای me- و be- با آن واکه همگون نمی‌شوند. این مورد را می‌توان در نمونه‌های موجود در (۸) مشاهده کرد.

- | | |
|------------------------|------------------|
| (8) a. be-/ me-kešt-om | کاشتم / می‌کاشتم |
| b. be-/ me-tars-om | بترسم / می‌ترسم |
| c. be-/ me-gereft-om | گرفتم / می‌گرفتم |
| d. be-/ me-sāxt-om | ساختم / می‌ساختم |
| e. var me-ras-om | می‌پرسم |
| f. va me-nšin-om | می‌نشینم |

مورد (8f) در زیرساخت به‌صورت va me-nešin-om بوده که واکه اول ستاک فعل حذف شده است و به این صورت در آمده است که به‌صورت va.men.ši.nom بازهجابندی شده است.

در افعالی که واکه آغازین آن‌ها /e/ است، این واکه با واکه پیشوند be- و me- ادغام می‌شود و یکی از واکه‌ها حذف می‌شود. علت حذف واکه رفع التقای واکه‌ها می‌باشد. این مورد در نمونه‌های مثال (۹) ذکر شده است.

- | | |
|---|---------------------|
| (9) a. be-/ me-ešnāxt-om → be-/ me-šnāxt-om | شناختم / می‌شناختم |
| b. be-/ me-endaz-om → be-/ me-ndaz-om | بیندازم / می‌اندازم |
| c. va me-estond-om → va me-stond-om | می‌ستاندم، می‌گرفتم |

مورد دیگری که از حذف واکه صورت می‌پذیرد، در صرف فعل «خواستن» در دو زمان گذشته و حال است. این فعل در حالت التزامی با حضور پیشوند be- در این گویش صرف

نمی‌شود. در زمان اتصال پیشوند *me-* به ستاک حال و گذشته این فعل همخوان */x/* تضعیف^۴ می‌شود. این تضعیف به صورت حذف است. در پی آن واکه */e/* پیشوند *me-* و واکه */a/* ستاک فعل *xastan* «خواستن» در کنار هم قرار می‌گیرند و برای جلوگیری از التقای واکه‌ها، واکه پیشوند حذف می‌شود. این تضعیف */x/* و در پی آن حذف واکه پیشوند در تمام صیغگان این فعل در گذشته و حال رخ می‌دهد. در زمان حال، همخوان */h/* ستاک حال نیز تضعیف می‌شود و این تضعیف همانند مورد */x/* از نوع حذف است. پس از حذف */h/*، واکه ستاک هم‌جوار واکه شناسه می‌شود و */y/* میانجی درج می‌شود. نمونه (۱۰) شاهد این مدعاست.

(10) a. *me-xast-om* → *me-ast-om* → *m-ast-om* می‌خواستم

b. *me-xah-om* → *me-a-om* → *m-a-y-om* می‌خواهم

هماهنگی پیش‌رو

در هماهنگی پیش‌رو، واکه پیشین بر واکه پسین تأثیر می‌گذرد و آن را با ویژگی‌های خود هماهنگ می‌سازد. این نوع هماهنگی در گویش قایینی نسبت به هماهنگی پس‌رو کمتر رخ می‌دهد. نمونه‌هایی از این فرایند در جدول (۳) آمده است. در این نمونه‌ها تمام ویژگی‌های واکه پسین با واکه پیشین هماهنگ می‌شود.

⁴ Lenition

جدول ۳: هماهنگی واکه‌ای پیش‌رو

واژه اولیه	واژه هماهنگ‌شده	معادل فارسی
došnām	došnom	دشنام
dahān	dahan	دهان
be-rafta bodom	be-refta bodom	رفته بودم

نتیجه‌گیری

بررسی هماهنگی واکه‌ای در گویش قاینی نشان می‌دهد که این فرایند واجی نه تنها در واژه‌های مستقل، بلکه در سطح نحوی و صرفی نیز به‌طور نظام‌مند عمل می‌کند. نوع غالب این هماهنگی در گویش قاینی، هماهنگی پس‌رو است که در آن واکه‌های متأخر ویژگی‌های آوایی خود را به واکه‌های پیشین منتقل می‌کنند. ازجمله نمونه‌های شاخص این پدیده، تغییر پیشوندهای فعلی *me-* و *be-* تحت تأثیر ستاک‌های فعلی است که بیانگر پیروی دقیق از قواعد واجی است. این پدیده، نشان‌دهنده انسجام در نظام آوایی این گویش و تلاش آن برای سهولت تلفظ و پیوستگی گفتاری است. تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که واکه‌ها در گویش قاینی در برابر ویژگی‌هایی مانند افراستگی، پسین‌بودن و گردی، حساس بوده و در تعامل باهم تغییر می‌کنند. درنتیجه، هماهنگی واکه‌ای در این گویش، فرایندی پویا و فعال است که می‌تواند در مطالعات تطبیقی میان گویش‌های ایرانی و همچنین در رده‌بندی دقیق‌تر گویش‌های خراسان مفید واقع شود.

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۳)، تاریخ زبان فارسی، تهران: سمت.
- احمدخانی، محمدرضا و واثق، الهه (۱۳۹۹)، «بررسی هماهنگی واکه‌ای و واکه‌ای-همخوانی در زبان فارسی در چارچوب نظریه بهینگی»، جستارهای زبانی، دوره ۱۱، شماره ۶، ۳۵۱-۳۸۱.
- ایوانوف، ولادیمیر الکسیویچ (۱۳۹۲)، فارسی در گویش بیرجند، ترجمه محمود رفیعی، تهران: هیرمند.
- حسینی، سیدمحمد و کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ (۱۴۰۰)، «هماهنگی واکه‌ای در صرف افعال گویش مشهدی: واج‌شناسی زایشی»، زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان، دوره ۱۳، شماره ۲، ۲۳-۴۸.
- حق‌شناس، محمد (۱۳۹۳)، آواشناسی (فونتیک)، تهران: آگه.
- رجبی، نجیب‌الله (۱۳۸۴)، تاریخ و جغرافیای شهرستان قاینات (توانمندی‌ها و استراتژی‌های توسعه)، تهران: شهر آشوب.
- قاسمی، پرویز و احمدخانی، محمدرضا و کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیہ (۱۴۰۲)، «محدودیت عملکرد فرایند هماهنگی واکه‌ای در زبان فارسی»، زبان فارسی و گویش‌های ایرانی، دوره ۸، شماره ۱، ۲۲۳-۲۴۰.
- مدرسی قوامی، گلناز (۱۳۸۹)، «الگوهای هماهنگی واکه‌ای و هم‌تولیدی واکه به واکه در زبان فارسی»، زبان و زبان‌شناسی، دوره ۶، شماره ۱۱، ۶۹-۸۶.
- علایی، بهلول (۱۳۹۲)، «بررسی فرایند هماهنگی واکه‌ای در زبان ترکی آذری منطقه مغان»، پژوهش‌های زبان‌شناسی، دوره ۵، شماره ۸، ۳۱-۴۸.
- Kenstowicz, M. (1994), *Phonology in Generative Grammar*, Blackwell Publishers.
- Kiparsky, Paul (2024), *Domains of Vowel harmony*, The Oxford Handbook of Vowel Harmony (pp. 183-191)
- Ladefoged, Peter & Johnson, Keith (2014), *A Course in Phonetics* (7th ed.), Cengage Learning.

Abstract

Vowel Harmony in the Ghayeni Dialect

The present study investigates the phenomenon of vowel harmony in Ghayeni dialect, one of the Southern Khorasani dialects. The data for this research were collected from written sources related to the Ghayeni dialect, the author's linguistic intuition, and interviews with middle-aged native speakers. The primary aim of this study is to analyze the types of vowel harmony in this dialect, with a particular focus on regressive harmony, and to examine vowel changes in various words in terms of features such as backness, height, and rounding. The findings reveal that in Ghayeni dialect, regressive harmony occurs prominently in verbal prefixes such as *me-* and *be-*, resulting in changes like *me-* becoming *mi-* or *mo-*. Moreover, in some words, vowels undergo changes in their phonetic features due to the influence of adjacent vowels, indicating the active and systematic presence of this process in the lexical and syntactic structure of Ghayeni dialect. These findings may contribute to the phonological classification of this dialect and offer a deeper understanding of the linguistic structures in eastern regions of Iran.

Keywords: Ghayeni dialect, vowel harmony, regressive harmony, progressive harmony.